

وجواب از دلیل سوم اینکه دعای جمله اولی که در تفسیر خصوصیت دارد منع از ان عموم
 دلالت ندارد وجواب دیگر این که در تفسیر اعتماده اقوال دیگر نیز وارد اند این
 ابی حاتم از سعید بن جبیر روایت کرده اند که قال فی قوله تعالی لا یحب المحقر من یقول
 لا ته علی المؤمنین والمؤمنات بالشرکان ذلک عدو الله و ابن جریر و ابن ابی حاتم
 الا ابو یحیی رضی الله عنهما که مراد از الله افعال است منازل انبیاء است و قول
 راجح در تفسیر آن قول سیوطی است که مراد از الله انجا و نغود است از انجا
 و اضطرار کردن دعای است در شرح آنرا اصلی نباشد چنانکه دال است برین روایت
 عمده بن حمید و ابوداود و ابی ماجه و ابن ابی شیبہ و حاکم و بیہقی و ابن جریر
 از عبد الله بن حنفل انہ سمع ابنه یقول اللهم انی اسألك القصر الابيض
 اذا دخلتها فقال ای بنی رسول الله الجنة و تعوذ به من النار فانما یعمد
 رسول الله صلی الله علیہ و آلہ وسلم یسکون فی عدل لانه قوم یعتدون فی الدعاء
 و الطهور و جواب السنہ لکن چه نام آنند اول این اثر را در کتب حدیث اثری
 نیست بعضی فقهاء آن را بلا سنہ ذکر کرده اند و آنرا بقوی معلوم نیست
 و آنچه ثابت شده خلاف آن است امام سیوطی در نتیجہ فکر میگوید بنی الا
 عن ابن مسعود و محتاج الی بیان سنہ و من اخرج من الحفظ ان
 کتبهم و رأیت ما یقتضی انما ذلک عن ابن مسعود و هو ما رواه
 احمد بن حنبل فی کتاب ادرعه عن شاعرین بن محمد بسند حسن عن ابی و
 قال

قال حذوا الذین یزعمون ان غلبه کان ینفی من الذکر ما جالست عبده بللسا
 قطب الا ذکر الله فیہ انتهى و بر تقدیر بنیوت آن اثر را حدیث صحیح صریح در جواب ذکر
 خبر فقط معارض است و مقابله آن نمی تواند شد و احتیاج را نمی شناید شد
 و ابی اللبک اذا لا فی قوله لا یستطیع صولہ النزل القنا عیش و جواب
 استدلان بنی آنند در حدیث لفظا خیر الذکر الحفی و اوقع شده و آنچه حدیث لغت
 در استعمال کلمه خیر و طریق بیان کرده اند یکی آنکه بمعنی فضل گیرند
 افضل درین صورت مقابل و ضد آن شر است دوم آنکه اراده بمعنی افضل
 کنند درین حالت اصلش اخیر باشد که هر دو برای تحفیف مخدوف است
 و امام سیوطی را بر گاه پرسیه نداشت حدیثی که در حدیث خیر ذکر شده
 چگونه می تواند شد که حیات و موت از یکدیگر بهتر باشد چنانکه در حدیث
 است یکی بمعنی افضل دوم بمعنی فضل و مقصود آن است که در هر یکی از اینها
 موتی نفع است صلی الله علیہ و آلہ وسلم خیر و خوبی است بلکه امت انتهى قول مشرعا
 پس در حدیث خیر الذکر خیر بمعنی اول است بمعنی ذریر افضل از ذکر که حکمت
 باعتبار خاص و جواب از استدلال شنیده آنکه از ارجو اد حدیث
 مذکور برای وجود نیست که از آن گذشت و ما جریمه ذکر هر مستفاد
 شود و چون از تعبیر کلمه خیر در حدیث معلوم در اشعار المعانی می نماید فی قول
 ارجو ان شاء الله الی الامام من الجبر التیسیر و الارفاق لا یكون الجبر
 مشهور است پس از حدیث ذکر سر ثابت شد و لا کلام لنا فیہ و امام
 السجواب ذکریم

ای از بیعت
 فی قره ای
 چهار مرتبه
 غیر مبرور
 قوه و جلاله
 بنی اناس
 ده و آن
 البذل
 جمع بارز
 الجمل
 والثناء
 مع الشکر
 و القیاس
 بجه القیاس
 مع القوی
 الجمل

ای قول السیوطی
 حال ذکر خبر
 ۱۳